

اختصاصی خط‌حزب‌الله

«عَنْ مَنْصُورِ بْنِ بَزْرَجٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَا أَكْثَرَ مَا أَسْمَعُ مِنْكَ يَا سَيِّدِي ذِكْرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ»

«أَتَدْرِي مَا كَثَرَتْ ذِكْرِي لَهُ؟»

«قُلْتُ: لَا. قَالَ: ثَلَاثَ خِصَالٍ»

«أَحَدُهَا: إِيْثَارُهُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)»

«عَلَى هَوَى نَفْسِهِ» وَالثَّانِيَةُ: حُبُّهُ لِلْفُقَرَاءِ

وَأَخْتِيَارُهُ أَيَاهُمْ عَلَى أَهْلِ الثَّرْوَةِ وَالْعَدَدِ» وَالثَّلَاثَةُ: حُبُّهُ لِلْعِلْمِ وَالْعُلَمَاءِ»

چرا اهل بیت او را دوست داشتند؟

الگوی برای نیروهای مؤمن و انقلابی

سلمان محمد

(عَلَيْهِ السَّلَامُ)

است.

«أَتَدْرِي مَا كَثَرَتْ ذِكْرِي لَهُ؟» [حضرت فرمود] می‌دانی چرا؟
«قُلْتُ: لَا. قَالَ: ثَلَاثَ خِصَالٍ»، سه خصوصیت در سلمان بود که این موجب می‌شود که من او را زیاد یاد کنم و نام او را ببرم - لایب مثلاً - اجلال کنم او را، تعظیم کنم او را یا محبت به او بورزم. «أَحَدُهَا: إِيْثَارُهُ هَوَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَلَى هَوَى نَفْسِهِ»، چیست آن سه خصلت؟ یکی اش این است: میل امیرالمؤمنین را بر میل خود غلبه می‌داد. از این معلوم می‌شود که بیش از یک بار چنین چیزی اتفاق افتاده که حضرت چیزی را اراده کردند، سلمان چیز دیگری در دل خود و در ذهن خود می‌خواست است ولیکن میل و هوای امیرالمؤمنین را - «هوای» یعنی میل - بر میل خود ترجیح داده است. (۳)

رهبر انقلاب در ابتدای درس خارج روز دوشنبه این هفته، تاریخ ۹۶/۱۱/۲، به ذکر حدیثی از امام صادق علیه السلام، درباره‌ی خصوصیات جناب سلمان فارسی پرداختند. نظر به اهمیت این حدیث که می‌تواند الگویی اخلاقی و رفتاری برای نیروهای مؤمن و انقلابی باشد، نشریه‌ی خط‌حزب‌الله آن را به همراه ترجمه و تفسیر رهبر انقلاب برای اولین بار منتشر می‌کند.



به او توجه دارید، یا شاید مثلاً به او محبت دارید و از این قبیل. «فَقَالَ: لِاتَّقِلْ «الفارسی» وَ لَكِنْ قُلْ سَلْمَانَ الْمُحَمَّدِي»، یعنی نسبت او، فراتر از نسبت قومی و میهنی است؛ نسبت دینی است. این البته به هیچ وجه، طعن به قوم فارس نیست؛ پیغمبر اکرم و ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) از فارس - مردم ایران - تمجید کردند، تعریف کردند؛ در این که تردیدی نیست. می‌خواهد بفرماید که این شخص، فراتر و بالاتر از این است که به نسبت قومی شناخته بشود؛ نسبت او، نسبت عقیده و دین و پیامبر است؛ او کآنه - مثلاً - فرزند پیغمبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين. «عَنْ مَنْصُورِ بْنِ بَزْرَجٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَا أَكْثَرَ مَا أَسْمَعُ مِنْكَ يَا سَيِّدِي ذِكْرَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ»، راوی می‌گوید چقدر من زیاد می‌شنوم از شما که نام سلمان را می‌برید و از او یاد می‌کنید. معلوم می‌شود که حضرت [امام صادق (عَلَيْهِ السَّلَامُ)] مکرر در مکرر راجع به سلمان مطالبی را می‌فرموده‌اند. این شخص تعجب می‌کند که چیست که اینقدر موجب شده شما

گزارش هفته



نکاتی پیرامون دیدار اخیر رهبر انقلاب با مستندسازان جوان

باید وارد میدان شوید

قالب مستندی ۱۱۴ دقیقه‌ای تولید و در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران به نمایش درآوردند. این فیلم و مستند دیگری با نام "المپیا"، رفته‌رفته آلمان‌ها را به عنوان قدرتمندترین نیروی نظامی و برترین زن انسانی در جهان معرفی کرد که نتیجه‌ی آن اقبال بخشی از افکار عمومی دنیا از سویی و از سویی دیگر ادامه در صفحه (۴)

در اواسط دهه‌ی چهل میلادی قرن بیستم، مستندی با عنوان "پیروزی اراده"، مردم جهان را تحت تأثیر قرار داد. مستندی که نشان می‌داد، آلمان‌ها که کمتر از دو دهه قبل، در جنگ جهانی اول کاملاً شکست خورده و صنایع زیربنایی خود را از دست داده بودند، به یک‌باره تصویری شگرف از ارتش متحد، عظیم و با انضباط را در

مطالبه رهبری | ۳

هنوز نتوانسته‌ایم عظمت دهه فجر را بیان کنیم

بدتر از قاجار | ۳

ماجرای راه آهنی که رضاخان به آن می‌نازید

اخبار هفته | ۲

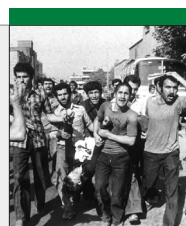
روایت حاج قاسم از علت اساسی در پیروزی‌های منطقه

کلام امام | ۴

خدایاورد روزی را که به محرومین پشت کنیم

شهادت، یک معامله‌ی دوجانبه‌ی بی‌دغدغه | این شماره تقدیم می‌شود به روح بلند شهدای نهضت انقلاب اسلامی

شهادت یک مفهوم عجیبی است، یک مقوله‌ی عمیقی است. شهادت یعنی معامله‌ی با خدا، یک معامله‌ی دوجانبه‌ی بی‌دغدغه‌ی با خدای متعال؛ جنس هم معلوم، بهای جنس هم معلوم، جنس عبارت است از جان. جان یعنی سرمایه‌ی اصلی هر انسانی در این دنیای مادی؛ این جنس است؛ این را شما تقدیم میکنید؛ در مقابل، چه میگیرید؟ در مقابل، سعادت ابدی و حیات جاودان در برترین نعمتهای الهی را میگیرید. ۹۶/۳/۲۸ ●



نکاتی پیرامون دیدار اخیر رهبر انقلاب با مستندسازان جوان

باید وارد میدان شوید

در اواسط دهه‌ی چهارم میلادی قرن بیستم، مستندی با عنوان "پیروزی اراده"، مردم جهان را تحت تأثیر قرار داد. مستندی که نشان می‌داد، آلمان‌ها که کمتر از دوده‌ی قبل، در جنگ جهانی اول کاملاً شکست خورده و صنایع زیربنایی خود را از دست داده بودند، به یک باره تصویر شگرف از ارتش متحد، عظیم و با انضباط را در قالب مستندی ۱۱۴ دقیقه‌ای تولید و در کشورهای مختلف جهان از جمله ایران به نمایش در آوردند. این فیلم و مستند دیگری با نام "المبیا"، رفته رفته آلمان‌ها را به عنوان قدرتمندترین نیروی نظامی و برترین ژن انسانی در جهان معرفی کرد که نتیجه‌ی آن اقبال بخشی از افکار عمومی دنیا از سویی و از سویی دیگر، وحشت گروهی دیگر از قدرت آلمان‌ها و در نتیجه مهیا شدن شرایط برای آغاز یورش نظامی آلمان شد. و اینها همه یعنی قدرت سینمای مستند که می‌تواند در خدمت استعمار یا استقلال کشورها قرار بگیرد. برای همین در جمهوری اسلامی سینمای مستند باید ابزاری باشد در جهت اصلاح‌گری جامعه و در خدمت حل مشکلات مردم.



● دیداری که برای اولین بار برگزار شد

پنجشنبه‌ی هفته‌ی گذشته، ۲۱ دی ماه، جمعی از مستندسازان جوان انقلاب اسلامی برای اولین بار به دیدار رهبر انقلاب رفتند. جلسه‌ای که به گفت‌وگو و شنود از احوال هنر و مستندسازی گذشت و حسن ختام آن بیاناتی بود که رهبر انقلاب به عنوان توصیه و سفارش به سینماگران و مستندسازان حاضر در جلسه بیان نمودند. نکاتی که یک روز پس از دیدار، بار دیگر رهبر انقلاب در پیامی به مستندسازان جوان، آن را یادآوری و متذکر شدند تا در اذهان و خاطر‌ها باقی بماند.

● چرا سینمای مستند؟

مستند به عنوان یکی از فرآورده‌ها و شاخه‌های هنرهای تصویری، موظف به بیان و روایت صحنه‌ها و اتفاقات از دریچه‌ی دوربین به منظور اطلاع‌رسانی به مخاطب خاص یا عام و ثبت در تاریخ است. امری که از پیدایش و اختراع دوربین تصویری و شکل‌گیری هنر هفتم، آغاز شد و با گذشت زمان و ارجاعات و استناداتی که آیندگان به فیلم‌های مستند گذشتگان داشتند اهمیت دو چندان پیدا کرد. فیلم‌های مستند به دلیل ساختارهای فرمی و متفاوت خود با فیلم‌های سینمایی، به ویژه این نکته که در اکثر فیلم‌های مستند، بازیگر خود بخشی از واقعیت موجود در صحنه‌ی روایت (حداقل در ظاهر) است و بیننده احساس القای فریب و دروغ را از سوی سازندگان اثر نمی‌کند، به مخاطب خود احساس آزادی و اختیار در تصمیم‌گیری و پذیرش واقعیت را می‌دهند. امری که رهبر انقلاب در جلسه با مستندسازان نیز به آن اشاره نمودند که: «مستند سرراست‌تر و روراست‌تر و متکی به واقعیت و نشان‌دهنده‌ی آن است.» ۹۶/۱۰/۲۱

● وقتی دشمن تاریخ را هدف می‌گیرد

در چند سال اخیر، جریان‌ها و شبکه‌های ضدانقلاب با تمرکز بر تاریخ سلطنت پهلوی و دوران پیش از انقلاب اسلامی و با توجه به ضعف و کم‌کاری رسانه‌های انقلاب در بازنمایی این دوره برای نسل جوان، اقدام به ساخت و انتشار آثار مستند با محوریت حکومت و اشخاص پهلوی نمودند. آثاری که در آن با چشم‌پوشی و حذف فسادها، چپاول‌ها، خودباختگی و وابستگی به غرب، ظلم‌ها و کشتار این حکومت، تنها به القای دروغین پیشرفت کشور در دوران پهلوی پرداخته‌اند و سعی در ترمیم چهره‌ی پهلوی نمودند. «امروز این‌ها سعی می‌کنند چهره‌ی خاندان خبیث و منحوس پهلوی را - رژیم فاسد و وابسته و خبیث و ظالم که کشور ما را سال‌های متمادی به عقب انداختند و ملت ایران را آن‌جور دچار مشکلات عظیم کردند - بزک کنند، آرایش کنند.» ۹۳/۱۰/۱۷

● باید وارد میدان شوید

حال سؤال اینجاست که در مقابل این جریان چه باید کرد؟ راهکار رهبر انقلاب برای مقابله با این جریان خزنده‌ی فرهنگی، تشویق حضور فعال نیروی جوان و مؤمن انقلابی در عرصه‌ی فرهنگ و هنر، و تولید محصولات فرهنگی و بیان واقعیات و حقیقت‌های انقلاب اسلامی است. نیروی جوان و انقلابی که در هر عرصه‌ای وارد میدان شد، راهگشا و خط‌شکن بوده است، بار دیگر وظیفه دارد در میدان هنر به دفاع از انقلاب و تاریخ کشور بپردازد. امری که رهبر انقلاب بار دیگر و در دیدار اخیر خود با مستندسازان، این وظیفه را اینگونه متذکر شدند: «اگر بتوانید این جهت‌گیری انقلابی و این صداقت انقلابی را حفظ کنید، خیلی می‌توانید خدمت بکنید؛ به کشور و به انقلاب و به مردم و به آینده و به تاریخ و به حقیقت؛ می‌توانید خیلی خدمت بکنید.» ۹۶/۱۰/۲۱

● حفظ روحیه‌ی اسلامی و انقلابی

ورود به فضای هنر به دلیل ویژگی‌های خاص مانند شهرت و شناخته‌شدن، می‌تواند ابزاری برای جوانان داشته باشد که در نهایت آن‌ها را از هدف نهایی جدا و دور کند، به همین دلیل رهبر توصیه کردند: «سعی کنید گرایش‌های هنری محض و چیزهایی که معمولاً برای هنرمند جالب است - شهرت و مانند آن - آن صفا و صمیمیت هنر انقلابی را از شما نگیرد. هنر انقلابی هنر است و در عین حال در آن دروغ نیست، فریب نیست، فساد نیست، اغوا نیست؛ هنر اسلامی این است؛ این روحیه را حفظ کنید، این را نگه دارید، این خیلی باارزش است.» ۹۶/۱۰/۲۱

● مستند ساز، اصلاح‌گر جامعه

همان‌اندازه که یک مستندساز انقلابی موظف است تا حقایق تاریخی و واقعیت‌های انقلابی را بیان کند، همان‌اندازه نیز موظف است تا آلمان‌ها، ارزش‌ها و پیشرفت‌های انقلاب را یادآوری کند و "روح امید" را در مردم و جامعه زنده کند. و از سوی دیگر مشکلاتی را که در مسیر دستیابی به این ارزش‌ها است، با بیانی صحیح و به قصد اصلاح - نه سیاه‌نمایی - به تصویر بکشد. نکته‌ای ظریف که تفاوت هنرمند انقلابی و اغیار را مشخص می‌کند. «دو جور می‌شود انتقاد کرد: یک انتقادی که وقت شنیدن، شنونده آن را فحش و دشنام تلقی می‌کند؛ یک انتقادی که همان مطلب است اما وقتی که شنونده آن را می‌شنود، آن را نصیحت تلقی می‌کند؛ دو جور می‌شود حرف زد؛ سعی کنید آن نوع اول نباشد...» ۹۶/۱۰/۲۱

○ حضور نماینده دفتر رهبر انقلاب در

مراسم ختم جان باختگان کشتی سانچی
حجت الاسلام تقوی از طرف دفتر مقام معظم رهبری در مراسم ختم دو تن از جانباختگان کشتی سانچی در مسجد امام جعفر صادق (ع) میدان فلسطین تهران حضور یافتند. این مراسم ۲۸ دی ماه برگزار شد. در مراسم بزرگداشت جانباختگان سانچی در مدرسه‌ی عالی شهید مطهری در اول بهمن نیز حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر مقام معظم رهبری حضور داشتند. □ خ صداوسیما |

○ رهبر انقلاب:

سلام مرا به پرسنل ناچار سانبید.

سردار اشتری با اشاره به دیداری که روز یکشنبه، تعدادی از فرماندهان نیروی انتظامی با رهبر معظم انقلاب داشتند: مقام معظم رهبری پنج مرتبه از ناچا تشکر کردند و گفتند که عملکرد ناچا خوب بوده است، از ایشان پرسیدم که می‌توانم سلام شما را به پرسنل ناچا برسانم، ایشان گفتند هم شما سلام من را برسانید هم خسته نباشید بگویید و هم تشکر کنید. □ ایسنا |

○ روایت حاج قاسم از علت اساسی در پیروزی‌های منطقه

سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران با اشاره به موضوع اقتدار نظام در ابعاد بیرونی و داخلی گفت: اقتدار نظام در بُعد بیرونی به بهترین وجه محقق شده است؛ امروز ما بسیاری از توطئه‌های دشمنان را به سبب رهبری حکیمانه رهبرمان شکست داده‌ایم و من باید تأکید کنم که دلیل حقیقی این پیروزی‌ها و آن چیزی که نقش محوری و اساسی در این پیروزی‌ها داشت بدون گفتارهای تشریفاتی، رهبری حکیمانه مقام معظم رهبری بود. □ میزان |

○ موج اعتراضات مردمی در هند

در اعتراض به سفر نتانیاهو

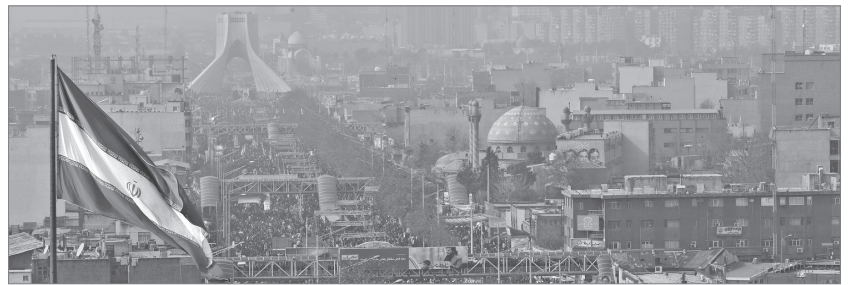
سفر کاری تبلیغاتی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به هند با موجی از اعتراضات مردم این کشور رو به رو شده است. ده‌ها هزار نفر از مسلمانان هند طی چند روز گذشته با برپایی تظاهرات در شهرهای مختلف این کشور و آتش زدن پرچم اسرائیل و آدمک نتانیاهو، خشم خود را نسبت به سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به هند نشان داده‌اند. □ ایرنا ●



ماجرای راه آهنی که رضاخان به آن می‌نازید

اساس سیاست آن رژیم، بر وابستگی بود. چند نفر دولتمرد نسبتاً شجاع یک روز در زمان رضاخان پیدا شدند و یک قرارداد نفتی را نوشتند که منافع ملت ایران، تا حدودی در آن ملاحظه شده بود. به خاطر انگلیسی‌ها، رضاخان با چکمه‌هایش وارد اتاق هیات دولت شد و نوشته‌های آنها - پرونده‌ی نفت - را گرفت، در آتش بخاری انداخت و جلو چشم آنها سوزاند! این، چیزی است که خود آنها نوشته‌اند. امثال تقی‌زاده و دیگران این ماجرا را نوشته‌اند. سیاست، سیاست وابسته بود. راه آهن هم که می‌کشیدند، بیش از آن که برای ایران و تجارت ایران باشد، به نفع اتصال دو جبهه‌ی متفقین بود که آن روز بایستی علیه آلمان می‌جنگیدند. راه آهن سراسری این است! (راه آهن شمال و جنوب برای این بود که شوروی آن روز را به جنوب، در خلیج فارس که محل استقرار انگلیسی‌ها بود وصل کنند تا بتوانند سلاح منتقل نمایند، و جبهه‌های جنگ متفقین علیه متحدین - آلمان و همکارانش - همواره قادر به دفاع باشد). راه آهن هم برای این کشیده می‌شد. طرفداران رژیم منحوس و تفاله‌های رژیم گذشته، بعد از گذشت پنجاه سال، هنوز که هنوز است، صحبت راه آهن شمال و جنوب را می‌کنند؛ راه آهنی که بر اساس طرحی خائنانه و بی‌توجهی به استقلال این ملت به وجود آمد و در آن، آبرو و شأن این ملت رعایت نشد. ● ۷۶/۵/۱۲

هنوز نتوانسته‌ایم عظمت دهه فجر را بیان کنیم



کرده‌ایم؟ دشمن قلم در دست گرفته و خواسته که این قضیه را با تحریف و دروغ و آرایش‌های بی‌معنی، منعکس کند. دشمن روی آن کار کرده؛ اما دوستان، عظمت آن را کجا توانسته‌اند بیان کنند؟! واقعاً حادثه، خیلی عظیم است؛ بنابراین، معرفی این حادثه، به هر شکل که بشود، یک حسنه و بلکه یک فریضه است. یکی از وسایل معرفی، این است که یاد این ایام در ذهن‌ها زنده بماند. وقتی که این ایام می‌رسد، باید این فراز را بفهمند و همه به یاد بیاورند ● ۷۱/۱۱/۵

مبادا کسی تصور کند که امر دهه‌ی فجر فقط یک امر صوری و ظاهری است! این طور نیست. دهه‌ی فجر برای ملت ایران، بلکه برای ملت‌های مسلمان و در همه جا - و شاید برای دنیا به یک معنا - یک مبدأ عظیم تاریخی است. این حادثه، حادثه‌ی بزرگ و ذواب‌عادی است. واقعاً چه کسی تا به حال توانسته آن قضیه‌ای را که در دهه‌ی فجر اتفاق افتاد، از دیدگاه‌های جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، درست تشریح کند؟ کدام‌مان این کار را

مقاله به رهبری

به مناسبت ۶ بهمن، سالروز حماسه‌ی مردم آمل در دفع حمله‌ی منافقین

اگر ملت نداند چه خطراتی بر سر راه اوست، ضربه می‌خورد



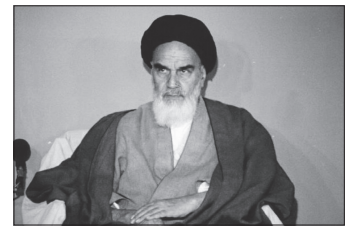
روایت تاریخی

«شهر هزار سنگر»، این تعبیر کمی است؟ حرف کوچکی است؟ قضیه‌ی ششم بهمن آنقدر اهمیت داشت که امام بزرگوار ما آن را در وصیتنامه‌ی تاریخی خود هم مندرج کردند، آن را یادگار گذاشتند؛ یعنی فراموش نشود... «هزار سنگر» یعنی چه؟ ظاهر قضیه این است که در درون شهر، مردم در مقابل گروه‌های اشرار و متجاوز سنگر درست کردند - حالا یا هزار تا، یا بیشتر یا کمتر - اما من یک تفسیر دیگری دارم: این سنگرها سنگرهای درون خیابان‌ها نیست، این سنگر دل‌هاست؛ هزار تا هم نیست، هزاران سنگر است؛ به عدد هر مؤمنی، هر انسان بانگیزه‌ی باشرفی، یک سنگر در مقابل تهاجم دشمن وجود دارد. اگر یک ملت وقتی به دنبال یک هدفی حرکت می‌کند، نداند سر راه او چه خطراتی است، چه کمین کرده‌هایی هستند، چه باید کرد در مقابل اینها، خود را رها کند، قید و بندهای خود را رها کند، بی‌خیال باشد، ضربه خواهد خورد. همه‌ی ملت‌هایی که در جهت یک هدف بزرگی حرکت کردند و وسط راه ضربه خوردند و گاهی آنچنان افتادند که دیگر قرن‌ها بلند نشدند، مشکل‌شان از همین جا آغاز شد: ندانستند چی در انتظار آنهاست و خود را برای مواجهه‌ی با آن آماده نکردند. درس‌های گذشته این کمک را به ما می‌کند که راهمان را بفهمیم، بشناسیم، کمین‌ها را بشناسیم، کمین کرده‌ها را بشناسیم. ● ۸۸/۱۱/۶

ببینید مقام امیرالمؤمنین را؛ حالا البته اینها که گوشه‌و کنارهای آن عظمت و آن جلالت الهی و ملکوتی و جبروتی است ولی خوب، اینها همه، هر کدام یک نشانه است.

«وَالثَّانِيَةَ: حُبُّهُ لِلْفُقَرَاءِ وَ اخْتِيَارُهُ اِيَّاهُمْ عَلٰى اَهْلِ الثَّرْوَةِ وَالْعَدَدِ»، آدم: [فقرا را دوست می‌داشت. بعضی‌ها از طبقه‌ی مستضعف جامعه اصلاً بدشان می‌آید؛ حاضر نیستند طرف آنها بروند، نگاه نکنند به آنها! خودشان را برتر از آنها می‌دانند؛ او نه؛ فقرا را دوست می‌داشت، آنها را بر اهل ثروت ترجیح می‌داد. اگر فرض بفرمایید در یک جایی امر دایر بود بین یک سرمایه‌دار محترم خیلی پول‌داری یا یک فقیری، یا باید مثلاً خانه‌ی این برود یا خانه‌ی آن برود، یا باید به این سلام کند یا باید به آن سلام کند، این فقیر را بر آن غنی ترجیح می‌داد؛ اینها درس است دیگر. ما طلبه‌ها، ما جامعه‌ی روحانیت و علمی، یکی از خصوصیات‌مان از اول همین بوده است که با ضعفا و طبقه‌ی ضعاف نزدیک بوده‌ایم؛ این خیلی امتیاز بزرگی است. بله، گاهی پول‌دارها ممکن بود سراغ یک عالمی هم بیایند، او هم یک احترامی بکند اما معاشرت روحانیون ما، علمای ما، مراجع ما، ائمه‌ی جماعت ما - علمائی که بودند با مردم - عمدتاً با مردم فقیر و زیر متوسط بوده است؛ این خیلی چیز مهمی است؛ این را باید نگه بداریم. حالا که علما و روحانیت، به یک موقعیتی در عالم سیاست دست پیدا کرده‌اند، نباید آنچه را تاریخچه‌ی ما و سنت کهن ما است از دست بدهیم. اینکه در یک شهری یک عالمی مثلاً باشد، [ولی] بین مردم معروف باشد که ایشان با تجار و با پول‌دارها و با باغ‌دارها و مانند اینها آنس دارد - مهمانی خانه‌ی این؛ مهمانی در باغ آن - اما با فقرا نه، آنسی ندارد؛ این چیز خوبی نیست. این هم یک خصوصیت.

«وَالثَّالِثَةَ: حُبُّهُ لِلْعُلَمَاءِ»، یکی هم این است: [جناب سلمان علم را دوست می‌داشت، علما را دوست می‌داشت. این سه خصوصیت در این بزرگوار، موجب می‌شود که امام صادق با آن جلالت و عظمت، نسبت به او گرایش پیدا کند، محبت - یا تجلیل و تعظیم - نسبت به او بکند. «اِنَّ سَلْمَانَ كَانَ عَبْدًا صَالِحًا حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ»، امی فرماید: سلمان بنده‌ی صالح حنیف مسلمان است و از مشرکین نیست. ●



خدا نیاورد روزی را که به محرومین پشت کنیم

مسئولین محترم کشور ایران علی‌رغم محاصرات شدید اقتصادی و کمبود درآمدها، تمامی کوشش و تلاش خود را صرف فقرزدایی جامعه کرده‌اند

و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیاء و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند. معاذالله که این با سیره و روش انبیا و امیرالمؤمنین و ائمه معصومین - علیهم السلام - سازگار نیست. دامن حرمت و پاک‌روانیت از آن منزه است، تا باید هم باید منزه باشد. ● امام خمینی (ره) ۶ مرداد ۱۳۶۶

کار تشکیلاتی

مجموعه‌ی تشکیلاتی

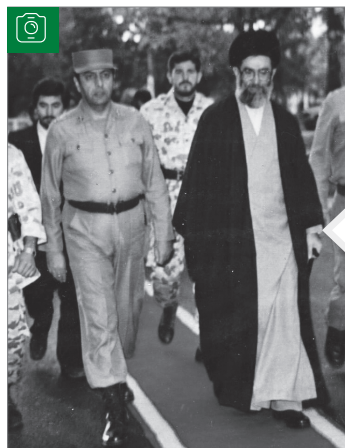
حیاتش به نظارت از بالا است

خاصیت مجموعه‌های انسانی این است. اگر کسی در امور حزبی و تشکیلاتی کار و فعالیت کرده باشد، اینها را خوب می‌داند. بنده چون سال‌های متعددی در تشکیلات دولتی کار کرده‌ام - کار و فعالیت در حزب و نظایر آن، به جای خود محفوظ - می‌دانم که مجموعه‌ی تشکیلاتی، حیاتش به این است که از بالا مرتب زیر نظر باشد. یعنی یک نفر، دائم به آن تشکیلات نگاه کند. این نگاه، مثل نور چراغ قوه است و تا زمانی که به یک نقطه افتاده باشد، آن نقطه روشن است. اما به مجردی که چراغ قوه را گردانید، دیدگر آن نقطه روشن نیست. کسی که بالا سر است، باید دائم مجموعه را زیر نظر داشته باشد و با چشم و نگاه اوست که مجموعه جان می‌گیرد. «نگاه» که عرض می‌کنم، نگاه ظاهری نیست؛ مقصود، مدد رساندن فرد ناظر و بالاسر است. ● ۷۳/۴/۲۲

حزب‌الله این است

خطرپذیری نقطه مقابل ترس است

خطرپذیری؛ نقطه‌ی مقابل آن، ترس است. ترس از چه؟ ترس از عدم موفقیت؛ وارد نشویم که مبدا موفق نشویم؛ حرکت نکنیم که مبدا ترسیم؛ اقدام نکنیم که مبدا مورد قبول قرار نگیرد؛ اقدام نکنیم که مبدا برای ما مشکلات ایجاد کند. اینها همه‌اش نقطه‌ی مقابل خطرپذیری است. یکی از خصوصیات خوب غربی‌ها - که ما خصوصیات بد و خوب، هر دو را در کنار هم می‌بینیم و انکار نمی‌کنیم - خطرپذیری است. غربی‌ها این خصوصیت مثبت را و به تبع آنها آمریکایی‌ها - که فرهنگ اروپایی‌ها را اول بار گرفتند - خطرپذیرند. خطرپذیری می‌تواند جامعه را موفق کند. شما جوانان باید آماده باشید؛ ترس از اینکه شاید نشود، این خیلی چیز بدی است. گاهی اوقات تصورات انسان، یک آینده‌ی را برای انسان تصویر می‌کند که بکلی او را مایوس می‌کند؛ این به نظر من، یکی از ایرادهاست. ● ۸۵/۶/۲۵



۱۱ بهمن: در گذشت سرلشگر سلیمی

نظامی متدین و متعهد

این نظامی متدین و متعهد از جمله معدود یاران ارتشی است که از آغازین هفته‌های پیروزی انقلاب، وسیله‌ی ارتباط فعال ارتش با دستگاه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و عنصر مؤثر در جذب بدنه‌ی متعهد ارتش به خدمات انقلاب بود و در طول ده‌سال در مراکز حساس نظامی همچون وزارت دفاع و فرماندهی ارتش و سرپرستی دفتر مشاورت امام در نیروهای مسلح و ریاست ستاد مرکز جنگ‌های نامنظم در سال‌های اول دفاع مقدس، خدمات ارزنده‌ی به جای آورد. ● ۹۴/۱۱/۱۱

خانواده ایرانی

همسری صبور، با فداکاری‌های عظیم

این وضع زندگی حضرت زهرا (علیها السلام) است از لحاظ سادگی مراسم ازدواج و بعد هم زندگی آن بزرگوار، آن زندگی فقیرانه و زاهدانه، آن اتاق آن چنایی، آن فرش‌ی که لابد همه‌ی شما شنیده‌اید. کار توی خانه، در مقابل تلاش‌های فراوان و صبر بر شوهری مثل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که در تمام مدت زندگی‌شان، حضرت مشغول کار و فعالیت بودند. یعنی هر چه جنگ بود، علی بن ابیطالب (علیه السلام) جلوتر از همه بود. هر چه کار مهم بود اول از همه علی بن ابیطالب (علیه السلام) جلودار بود. حدود ۱۰ سال هم با یکدیگر زندگی کردند. توجه می‌کنید؟ در ظرف این ۱۰ سال شما ببینید که این شوهر جوان چقدر توانسته به زن و بچه‌اش، به معنای بشری و معمولی برسد؟ بر یک چنین زندگی، صبر کردن، بر آن فقر و سختی صبر کردن، آن جهاد بزرگ را انجام دادن و آنچنان فرزندان تربیت کردن و آن فداکاری‌های عظیمی که حضرت زهرا (علیها السلام) انجام دادند و شما هم مقداری از آنها را شنیده‌اید، همگی الگوست. حالا، دختران ما باید فاطمه زهرا (علیها السلام) را الگو قرار دهند، پسرهای ما هم باید حضرت زهرا (علیها السلام) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را الگو قرار دهند. ● ۷۶/۹/۲۴

شرح حدیث

اگر کسی از آبروی مؤمنی دفاع کرد، بهشت بر او واجب می‌شود

کردن علیه یک مسلمان، که گاهی یک حرفی علیه کسی زده می‌شود که آبروی او را به خطر می‌اندازد و ما اهم می‌شویم آن را - و خب، گاهی خود ما هم ابتدا کننده نیستیم اما همان را نقل می‌کنیم، نقل ما را هم دیگری نقل می‌کند و همین‌طور این شایعه گسترش پیدا می‌کند علیه یک مسلمانی؛ در حالی که بعد معلوم می‌شود که هیچ چیز نبوده یا اگر هم چیزی هم باشد نباید منتشر کرد و نایبستی آبروی یک مسلمانی را در خط انداخت؛ چه برسد به اینکه در موارد متعددی هم خلاف واقع است. ● ۸۲/۱۰/۲۵

۱) ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۴۵.

«مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ» (۱) آبروی مؤمن این قدر مهم است که اگر کسی از آبروی مؤمن خود دفاع کند - به حساب این روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) از قول پیامبر (صلی الله علیه و آله) - بهشت بر او واجب می‌شود. حالا معنای واجب شدن بهشت این نیست که دیگر در هر صورت - هر کار کردیم و هر جور شد - این یک تعهد الهی است که آدم را به بهشت ببرد؛ نه، همه چیز دست خود ما است... به هر حال آنچه در این روایت مورد توجه است و مورد اهتمام است، آبروی مسلمان است. شایعه درست کردن علیه مسلمان، شایعه را بازگو

تفسیر قرآن

تلاش دشمن این است که ملت

ایران امیدش را از دست بدهد

امروز بیشترین نقشه‌ی دشمنان، این کارهای عظیم، متوجه این است که ملت ایران این اعتماد به نفسی را که دارد از دست بدهد... تلاش مهم جنگ نرم دشمن، امروز متوجه این است که ملت ایران امیدش را از دست بدهد. از این آیه‌ی که عرض کردیم «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (۱) معلوم می‌شود که این تبلیغ، دشمن دارد؛ اوقتی که می‌فرماید تبلیغ می‌کنند رسالات الهی را، از خدا می‌ترسند، از غیر خدانی می‌ترسند، پیدا است که غیر خدا در مقابل این مبلغین الهی، مبلغین رسالات الله، صفا آری دارند؛ بحث بر سر دعواست. یاد آن آیه‌ی شریفه‌ی «يَلْغُ مَا نَزَّلَ الْبَيْكِ مِنْ رَبِّكَ وَأَنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا تَلْعَتْ رَسُولَاتَهُ وَاللَّهُ يَعْلَمُكَ مِنَ النَّاسِ» (۲) که آمی فرماید خدا تو را حفظ می‌کند، نگران نباش، دغدغه نداشته باش از دشمن، پیدا است که در مقابل تبلیغ پیغمبر، صف دشمنان است، جبهه‌ی دشمنان است. برادران عزیز، بخواهران عزیز! معنای این چیست؟ معنایش این است که شما آن وقتی که تبلیغ می‌کنید، تبلیغ اساسی می‌کنید، تبلیغ اسلامی می‌کنید، در مقابل این تبلیغ شما یک جبهه‌ی دشمنی صفا آری می‌کند؛ این را باید بداند. ● ۹۶/۱۰/۱۶

۱) سوره مبارکه الاحزاب آیه ۳۹

۲) سوره مبارکه المائدة آیه ۶۷

هیئت انقلابی

باید با سینه‌زنی

معرفت افزایی کنید

وقتی که شما شعر می‌خوانید یا دم می‌دهید تا مثلاً در نوحه خوانی سینه بزنند، چیزی بگویند که آن کس که سینه می‌زند، بر معرفتش بیفزاید، یک چیز جدیدی بفهمد، بله، می‌شود گریه گرفت و مثلاً فرض کنید که مصیبت خوانی کرد بدون بصیرت، آن هم یک مرحله‌ای است، بلاشک یک مرحله‌ای از فضیلت است، اما آن فضیلت برتر، این است که ما بصیرت‌تایمان افزایش پیدا کند؛ نسبت به ائمه، نسبت به قرآن، نسبت به اسلام، نسبت به آینده‌ی جامعه‌ی جهانی؛ اینها هدف‌های اصلی است. اینها باید ان شاء الله در شعرهای ما هم بیاید، در خواندن‌ها و مباحث‌های ما هم بیاید. ● ۹۵/۴/۲۴